



مطلع عشق

رسول گرامی اسلام صلی ا... علیه و آله فرموده‌اند:

به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آن‌ها معاشرت نمایید.

(بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

نگاهی به اختلالات روان‌شناسی که کودکان تبلیغاتی را تهدید می‌کنند

# جلوهای نوین از کودک آزاری

نسرین صفری / روان‌شناس بالینی

بدون داشتن قدرت تشخیص خوب از بد و از همه مهم‌تر بی‌اطلاع از علت اصلی این نوع آموزش‌ها - که گاهی نیز همراه با سختگیری و تعصب بسیار والدین است - صرفاً فقط به‌خاطر دریافت چند پاداش فریبنده مغرب مثل استفاده از اسباب‌بازی‌های گران‌بها، آرایش کردن، پوشیدن لباس‌های زیبا، گرفتن ژست‌های زنانه و مردانه یا تقلید از گفت‌وگوهای بزرگ‌ترها و... آماده همکاری و همکاری می‌شوند و به‌طور طوطی‌وار از رفتار و جملات والدین شان تبعیت می‌کنند و تن به تمامی خواسته‌های آن‌ها می‌دهند.

شیرین از زبان کودکی زیبا و دلرباست که بی‌گمان تهیه آن فیلم‌ها و عکس‌های زیبا و متحیرکننده مستلزم زمان و آموزشی مدت‌دار است که اغلب والدین این کودکان به‌خصوص مادران عهده دار آماده کردن فرزندشان برای این مساله هستند. والدین خودخواه و ناآگاهی که با هر ز دادن فرصت‌های طلایی زندگی کودک شان که باید صرف سرگرمی، بازی، شادی، آموزش و تربیت شود، تنها به فکر درآمدزایی و سودجویی خودشان هستند. کودکان قربانی این پدیده خشونت‌آمیز نوین،

این روزها دختران و پسران خردسال شیرین زبانی که با لباس‌های شیک، پر زرق و برق، آرایش‌های متنوع و تیپ‌های اشرافی برای کاربران فضای مجازی جذابیت شگرفی دارند، گزینه‌های مناسبی برای صاحبان برخی صفحه‌ها محسوب می‌شوند که با استفاده از آن‌ها می‌توان شمار دنبال‌کنندگان را افزایش و به تناسب آن نیز پیام‌های تبلیغاتی برندهای خاص را ترویج دهند و زمینه را برای سودجویی صاحبان مشاغل فراهم آورند. عمده‌ترین پست‌های این صفحات، ژست‌های دل‌انگیز و بیان جملاتی

## کودکان کار مجازی

می‌شود آیسبک زندگی متفاوتی با سبک زندگی یک کودک کار و خواسته‌های سرپرستش دارد؟ همه ما دلمان به حال کودکان اسیر و در بندگی که شبانه‌روز در کوی و برزن به دنبال لقمه نان می‌دوند، می‌سوزد، حال چطور دلسوز کودکی نمی‌شویم که عزیزتر از جانمان است اما به مانند یک بزرگسال کار می‌کند، کار می‌کند، کار می‌کند... شاید صورت و دستان پاک، براق و تمیز این کودک یا لباس‌های برنر و نگارنگش یا فضای خوش و اشرافی که مطالبات مادی گرایش در پشت آن پنهان است، ما را فریفته یا دچار این خطای شناختی کرده است که این کودک کاملاً بی‌نیاز و مرفه است و در امنیت کامل زندگی می‌کند!!!

والدینی که با هدف درآمدزایی به ناگاه از کودکان خود «کودکان کار مجازی» ساخته‌اند آیا به واقع متوجه اثرات و لطماتی که بر روح و روان کودک خود روا می‌دارند، هستند؟! کودکانی که تا هفت سالگی یعنی در این دوره سنی بحرانی و حساس، به‌عنوان برده‌ای بی‌چون و چرا که صرفاً برای پر کردن جیب والدین شان به نوعی زیبا و با جلوه‌ای تفریحی و تفریحی اما به معنای واقعی به کار گماشته می‌شوند آیا از تلاطمات جانبی این مساله به‌ظاهر مدرن و شایسته در امان خواهند ماند؟! کودکی که برای انجام این اقدام ناپسند و گرفتن تایید و دنبال شدن والدینشان در صفحات مجازی، با اجبار مشغول فعالیت

## پرورش کودکی با مَنی غیر از مَن واقعی‌اش

اسکلت شخصیت روانی و اخلاقی کودک تا هفت سالگی شکل می‌گیرد و اغلب روان‌شناسان به اهمیت این دوره و نقش به‌سزای آن در روند رشد، پیشرفت و تعالی کودک تاکید بسیار دارند. حال با این اوصاف، کودکی که به اجبار والدین خود یا به یمن تمرین و تکرار بسیار، به اشتیاق تشویق به جدی بودن، زیبا حرف زدن، لودگی کردن، خندانیدن یا گریانیدن و یا هر رفتار نمایشی و تبلیغی می‌شود، چطور ممکن است فرآیند طبیعی رشد شخصیت او دچار اختلال نشود؟! این کودکان اغلب از آنجا که خودشان نیستند و در لحظه اکنون و حال خود زندگی نمی‌کنند و دائماً در حال تقلید یا در آوردن ادای شخصیتی غیر هستند، معمولاً نیز شناخت درستی از خود واقعی‌شان پیدا نمی‌کنند؛ باورها، افکار، رفتارها، گفته‌ها، انتظارات و خواسته‌های این کودکان کاملاً تزریقی است و حتی متناسفانه ممکن است چیزی به‌زور در درون آن‌ها نهادینه شود که کاملاً متضاد با شخصیت و روان آن‌هاست و این واقعیه‌ای دردناک است که بی‌گمان آینده زندگی این کودکان را دچار آسیب و لطمات جبران‌ناپذیری خواهد کرد؛ افسردگی، دوگانگی شخصیت، اختلالات شخصیت، مسخ شخصیت و خیالپردازی‌های مرض گونه از جمله مهم‌ترین این آسیب‌هاست.

## اختلالی به نام «مرا ببین!»

کودکانی که سوژه تبلیغات هستند از همان عنفوان کودکی و در سنین پایین به دلیل شایستگی‌های ظاهری یا قابلیت‌های جسمی و رفتاری در مرکز توجه هستند و دچار احساس خودشیفتگی می‌شوند به طوری که در بزرگسالی نیز خواهان توجه افراطی دیگران خواهند بود. این کودکان گرچه اغلب در ظاهر، بسیار قوی و با اعتماد به نفس به نمایش گذاشته می‌شوند اما به حقیقت و در باطن به شدت تهی از اعتماد به نفس و عزت نفس هستند و جالب‌تر آن که در ناخودآگاه‌شان نیز به یقین می‌دانند که قدرت شان وابسته به چیزی غیر از خود توانایی‌های واقعی‌شان است و این درد نهفته و بی‌درمانی است که باعث می‌شود دچار ترس، استرس، احساس طردشدگی، ناامنی و خودبزرگ‌بینی کاذبی شوند که نتیجه قطعی آن نیز استعداد ابتلا به بیماری اختلال شخصیت نمایشی و خودشیفتگی است. افراد مبتلا به این اختلال دائماً نیازمند توجه، تایید، تمجید و دیده شدن هستند و به‌طور بسیار وحشتناکی نیز از طرد شدن و محرومیت می‌ترسند. حال کودکی را در نظر بگیرید که در کار تبلیغات و مدلینگ است، پس از طی شدن دوران محدود استفاده در تبلیغات، عاقبت او چه خواهد شد؟! آیا این کودک در آینده نیز همان احترامی را که به پوشیدن لباس‌های آن‌ها انجام رفتارهایی به‌دست می‌آورد دوباره دریافت خواهد کرد؟! اگر شانس با او یار شود این وضعیت ادامه می‌یابد اما اگر ورق زندگی برگردد، قطعاً این کودکان پس از سپری شدن این دوران و پس از رها شدن، دچار افسردگی شده و احساس سوءاستفاده شدن خواهند کرد و در صورت عدم رضایت بسیار نیز حتی ممکن است صرفاً برای تایید شدن توسط دیگران دست به هر کاری بزنند تا کمبودها، خواسته‌ها و امیال برآورده نشده خود را اغنا سازند و بی‌تردید این بحرانی‌ترین وضعیت تصور شده برای این افراد است.



## جلوهای از کودک آزاری

استفاده ابزاری از سادگی، صداقت، پاکی و شیرینی و شیطنتهای طبیعی یک کودک، آن هم تنها به منظور کسب درآمد یا جلب توجه و دیده شدن، بی‌گمان ظلم و بی‌عدالتی بزرگی است که برخی والدین بر کودکان خود تحمیل می‌کنند، غافل از آن که بدانند رفتار آن‌ها جلوه‌ای نوین و مزین شده از کودک آزاری است. چنین والدینی اگر چه به‌ظاهر در اوج عشق و صمیمیت و آرامش خیال و امنیت، به افتخار فرزند ناب و در دانه خود را به تماشای می‌گذارند اما باطن رفتارشان توفیر چندانی با رفتار مهاجمان اخلاقی ندارد؛ همین که کودک را به رغم میل باطنی اش مجبور می‌کنند در خوشی و ناخوشی، در سرما و گرما، هنگام استراحت یا بازی و شادی کاری کند، حرفی بزند، لباسی بپوشد، ژستی بگیرد و... این یعنی تو در خدمت منی و باید کاری کنی که من می‌خواهم، انجام دهی....